

**ای خطبه‌ی غرای تو چون آب بر آتش** استاد افشین‌علاء شاعر پیشکسوت کشورمان تازه‌ترین سروده خود را سه نماز جمعه هفته پیش به امامت ره‌میر معظم انقلاب اختصاص داده‌است.

ای خطبه‌ی غرای تو چون آب بر آتش
تسکین دل سوت‌هی اصحاب بر آتش
شد همه‌ی‌همنه خصم در آن جمعه‌ی بشکوه
چون دود ز جمعیت احباب بر آتش
یکپارچه در سوز و گداز آمده بودند
تاروی تو بیند چون مهتاب بر آتش
ای پیر جوان‌یخت! ز آهنگ نمازت
مانند سپیدی شده محراب بر آتش

بر چپرگی‌ات در سخن، اعدا متحیر
چون خیرگی کرمک شتاب بر آتش
خنیاگر صهیون نگر از نطق بلبغت
افکنده ز کف، آلت و مضرب بر آتش
فهماند کلام تو به صیاد جهان‌خوار
ماهی نشود صید ز قلاب بر آتش
از شش جهت افروخت شرر، جانی غاصب
زین رو شده بریان، خود قصاب بر آتش
ما چون تو اگر سوخته‌ایم از غم یاران
گشتیم به‌اور چو زر ناب بر آتش

تصویر «حسن» شیر عرب، حک شده بر عرش
هرگز نتوان سوختن این قاب بر آتش
دست از تو نداریم، اگر پا بگذارند
بسیار سران از پی ارباب بر آتش
فردا چو بسوزند عجب نیست که امروز
کردند بنا کاخ خود، اعراب بر آتش
ای پیرا هوادار توأم چون که در این راه
بیداری و بس قافله در خواب بر آتش
دل کنده‌ام از راست و چپ یکسره، چون تو
بر خندق فلسطانی و احزاب بر آتش
از بغض تو بر کرده‌ام دانشه‌ی دشنام
بسیار زنده سفته چو تنداب بر آتش
خفاش چه داند ز چه در چرخش‌های دوست
گرد تو چو پروانه‌ی بی‌تاب بر آتش
از طعن رفیقان به فلاخن، چو خلیلم
در باغ گل افتاده ز پرتاب بر آتش
بگذار حسودم بزند طعنه که افتاد
زین شعرتر و تازه و شاداب بر آتش

همه‌مان یا نخستین نماش انیمیشن سینمایی «شنگول و منگول» در ایران، تیم صداپیشگان این اثر معرفی شدند.

انیمیشن سینمایی «شنگول و منگول» با مدیریت دوبلاژ محمدرضا علیمردانی و صداپیشگی بازیگران سینما و فعالان عرصه دوبله به پرده سینما رسید. در این انیمیشن سینمایی هوش شکیبا، محمدرضا علیمردانی، حامد آهنکی، هومن حاجی‌عبدایی، بهوش بختیاری، هادی کاظمی، مجید افکاریمی، آشا محرابی، شوکت حجت، سمانه پاکدل، کامران تفتی، هدیه بازنو، مریم بابایی، محمدامین عشقی، هودین، علی مولکیان، مرتضی مکرمی و مهوش گلزاریان به‌عنوان صداپیشه همکاری دارند. انیمیشن سینمایی «شنگول و منگول»، ساخته کانیوش و فرزاد دالوند و به تهیه‌کنندگی رابویش دالوند و سامارا امین‌ابین روزها نخستین نمایش‌های داخلی خود را در سری و ششمین جشنواره فیلم کودکان نوجوانان پست سر می گذارد. فیلمنامه این انیمیشن با اقتباسی آزاد از داستان فولکلور «شنگول و منگول» به نویسندگی کانیوش موفق به حضور در فستیوال‌هایی چون ساندنس، ورشو، کنیا، قاهره، گوا و شارجه شده و توانسته سه جایزه بهترین انیمیشن، بهترین فیلمنامه و همچنین بهترین صدائگاری را از جشنواره فیلم کنیا و همچنین دیپلم افتخر بخش بین‌الملل فستیوال فیلم کودک ساندنس را از آن خود کند. انیمیشن «شنگول و منگول» در بازار جهانی پربلین‌ترین حضور داشته است.

## ماجرای «قصه‌های کودکان فلسطین» از پاریس تا تهران

«من از سال ۱۳۵۲، نویسنده کودک هستم و در حوزه کودک فعالیت می‌کنم، اما ماجرای کتاب‌های «قصه‌های کودکان فلسطینی» از پاریس شروع شد، به پیشنهاد یکی از دوستانم مجموعه‌ای حدود ۸۰جلد کتاب از قصه‌های کودکان فلسطینی را از دارالفناء العربیه تهیه کردم، به ایران آوردم و منتشر کردم.» صلاح‌الدین احمد لواسانی، نویسنده، شاعر و نقاش کشورمان یکی از اولین نویسندگان و مترجمان داستان کودک با موضوع فلسطین در ایران است. این نویسنده که یک مجموعه ۴۰ جلدی با عنوان کتاب‌های «قصه‌های کودکان فلسطین» را پیش از انقلاب ترجمه و منتشر کرده است در رابطه با چگونگی انتخاب و ترجمه این آثار می‌گوید: ماجرای کتاب‌های «قصه‌های کودکان فلسطین» از پاریس شروع شد، یکی از دوستانم را در پاریس دیدم که او با انتشارات دارالفناء العربیه کار می‌کرد و می‌دانست که من از سال ۱۳۵۲، نویسنده کودک هستم و در حوزه کودک فعالیت می‌کنم. او پیشنهاد داد یکسری از این کتاب‌ها را در اختیارم بگذارد تا در بازگشت به ایران با خود بیاورم و این شد که مجموعه‌ای حدود ۸۰ جلد کتاب از قصه‌های کودکان فلسطینی را که دارالفناء العربیه و یکی، دو ناشر دیگر منتشر کرده بودند به ایران آوردم.

احمد لواسانی در ادامه می‌افزاید: انقلاب که شد کتاب بازار زیادی داشت، اما نه کتاب کودکان. در آن زمان صحنه‌ی بای‌اتلله بی‌آز شیرازی داشتیم که از دوستان قدیمی‌ام بود و او گفت من دارم زندگی پیامبر اسلام را می‌نویسم و به من گفت بیا تولید کتاب‌ها را شروع کن و در اختیار دفتر بگذار. ای‌اتلله شیرازی گفت خوب است که اکنون و در این موقعیت،



**روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران**

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیرمسئول: محمدجواد اخوان
سر‌دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوپه شهیداکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۵۴۸۸
روابط‌عمومی: ۰۲۰-۸۸۵۲۳۰۶۰
فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۱۳۸ | چهارشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۳ | ۵ربیع‌الثانی ۱۴۴۶ | اذان ظهر: ۱۱:۵۱ | غروب آفتاب: ۱۷:۲۷ | مغرب: ۱۷:۵۵ | نیمه‌شب‌شعری: ۲۳:۱۰ | اذان‌صبح‌فردا: ۰۴:۴۳ | طلوع آفتاب‌فردا: ۰۶:۰۷

**امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام:**
هر که می‌خواهد ایام عمر خود را آزاد زندگی کند، طمع را در دل خویش جای ندهد.
تنبیه‌الخوارج،ص۱،ص۴۹

**دکتر ابراهیم فیاض در اختتامیه اولین «همایش ملی فرهنگ شهرت»:**

# زندگی فروپاشیده ویژگی زیست‌سلبریتی‌ها است

**امروزه دیگر از گروه‌های مرجع به شخصیت‌های مرجع رسیده‌ایم و به واسطه تکنولوژی‌ها در واقع عدول از جامعه‌شناسی به از تباطات رخ داده است**

ابراهیم فیاض در نشست مطبوعاتی



ابراهیم فیاض در نشست مطبوعاتی

راحتی قابل‌مشاهده است. آنها حتی ایابی ندارند که این زندگی فروپاشیده را به رخ بکشند و به نمایش بگذارند. پناه آوردن به مشروبات الکلی و مواد مخدر هم کسه به وفور در زندگی این افراد دیده می‌شود. سلبریتی‌ها هم بیگانگی از خود و هم بیگانگی از دیگری دارند. دیگری را نمی‌توانند برای زندگی بلندمدت بپذیرند. این افراد ظاهری خندان و باطنی خشن دارند.

**■ سلبریتی‌ها و نابودی سرمایه اجتماعی**
فیاض ادامه داد: سلبریتی متوجه نیست که وقتی فرد دیگری بیه او احترام می‌گذارد و می‌خواهد با او عکس بگیرد، در این‌جا خود سلبریتی اهمیتی ندارد او می‌خواهد از شهرت فلان سلبریتی برای خودش استفاده کند. اگر ستاره‌ها سرمایه اجتماعی و مشارکت عمومی ایجاد می‌کردند و با این مشارکت اجتماعی، خلایق‌های اجتماعی را شکل می‌دادند می‌توانست اتفاق بهتری بیفتد. امروزه با حضور سلبریتی‌ها شرایط برعکس شده‌است. سلبرتی‌ها به واسطه خودمحوری‌هایی که دارند سرمایه‌های اجتماعی را نابود می‌کنند. بعد از جنگ ما با نوسازی غربی در کشور مواجه شدیم. این نوسازی به رشد سلبریتی‌ها در جامعه ما کمک کرد.

**■ پدیده اسناد- سلبریتی‌ها**
او اضافه کرد: مفهوم سلبریتی در فوتبالیست و هنرپیشه خلاصه نمی‌شود، یک استاد هم می‌تواند سلبریتی باشد که در ایران ما اینگونه اسنادی حضور دارند. دانشگاه‌های ما مصلحت‌اندیشه‌ای داشته باشند. در این شرایط ما از زندگی برون‌مرززه فاصله دارند

است که باید مورد بررسی قرار بگیرند. او افزود: ما قبلاً هم شخصیت‌های الگو داشتیم، که در تازگی‌ها و اسطوره‌ها شخصیت‌های مرجع حضور داشته‌اند و شخصیت‌های مرجع به‌عنوان الگو شناخته می‌شدند. تفاوت در اینجاست که شخصیت‌های الگو در دوران گذشته بر اساس فضیلت از دیگران متمایز می‌شدند، اما فرهنگ شهرت در حال حاضر ضد فضیلت است.

فیاض گفت: در دوران ما تکنولوژی سبک زندگی را شکل می‌دهد. سبک زندگی همان رابطه انسان و تکنولوژی است. سبک زندگی هم در واقع به انسان‌ها شکل می‌دهد. این یک فرمول مهم است. با ورود تکنولوژی جدید و کامپیوترها از سال ۱۹۹۰ وارد ارتباطات دوسویه شده‌ایم. بحث از دیاکتیک، دیالوگ و ارتباطات دوسویه از مقوله‌ای به نام عرفان ششت می‌گیرد. امروز ما به پست‌مدرنیسم رسیده‌ایم. ما پست‌مدرنیسم را یک نوع عرفان می‌دانیم.

منتشر شدند. وی ادامه می‌دهد: مدت زیادی نیست که به ایران برگشته‌ام. با مدیرکل ارشاد جلسه‌ای داشتم و او نیز به من آن داستان‌ها را یادآوری کرد. به او گفتم اتفاقاً ما داریم آنها را بازنویسی می‌کنیم. البته چون خودم در حال حاضر مشغول کارهای دیگری هستم، بازنویسی به عهده بSRم است، اما تصویرسازی‌اش را خودم انجام می‌دهم. در حقیقت، کل تصاویر را با حفظ نشان‌های تصویری کتاب اصلی به شکلی جدید و نوآورانه و امروزی بازطراحی می‌کنیم که بچه‌های این نسل هم بتوانند ارتباط تصویری خوبی برقرار کنند. تاکنون ۱۶ عنوان آماده شده و ۲۴ عنوان نیز در حال آماده شدن است. البته ما دو قالب را در نظر گرفتیم؛ یکی کتاب‌های کاغذی معمولی و دیگری ابتکاری جدید که ابداع خود من و ثبت شد است. برای اولین‌بار با بیان اینکه خودم به‌جز «قصه‌های کودکان فلسطین»، محصول جدیدی ایجاد کرده‌ایم به نام «کتاب‌فرش کودک». یعنی چته؛ یعنی امدام داستان‌های کودکان را به جای اینکه روی کاغذ چاپ کنیم، روی فرش انجام داده‌ام.

نمایش‌های رادیویی یا قصه‌گویی و انیمیشن نیز تولید می‌کنیم. بعضی از آنها هم از جمله برخی قصه‌های کودکان فلسطینی تبدیل به کتاب‌فرش شده‌اند. به این صورت که تصویر روی فرش و متن پشت فرش چاپ شده است. همچنین در مرحله بعدی ما کتاب‌فرش را با اضافه کردن بارکد، هوشمند کرده‌ایم.

**■ نوید پارسا**

مفهوم سلبریتی در فوتبالیست و هنرپیشه خلاصه نمی‌شود، یک استاد هم می‌تواند سلبریتی باشد که در ایران هم اینگونه اساتید حضور دارند. دانشگاه‌های ما مصون از حضور این افراد نیست و ممکن است دانشگاه‌های ما را با بحران مواجه کنند. ابراهیم فیاض، استاد جامعه‌شناسی در آیین اختتامیه «همایش ملی فرهنگ شهرت؛ تحولات هنر، رسانه و جامعه»، که با همکاری دانشکده علوم اجتماعی و با مشارکت پژوهشکده هنر دانشگاه تهران در تالار ابن خلدون دانشگاه تهران برگزار شد، عنوان کرد: بحث، بحث بسیار مهمی است. همواره در جامعه‌شناسی یا رشته‌های دیگر به «گروه‌های مرجع» به‌عنوان یک بحث مهم و جدی پرداخته شده‌است. امروزه دیگر از گروه‌های مرجع به شخصیت‌های مرجع رسیده‌ایم. به واسطه تکنولوژی‌ها در واقع عدول از جامعه‌شناسی به ارتباطات رخ داده‌است و اینها بحث‌های مهمی

است که باید مورد بررسی قرار بگیرند. او افزود: ما قبلاً هم شخصیت‌های الگو داشتیم، که در تازگی‌ها و اسطوره‌ها شخصیت‌های مرجع حضور داشته‌اند و شخصیت‌های مرجع به‌عنوان الگو شناخته می‌شدند. تفاوت در اینجاست که شخصیت‌های الگو در دوران گذشته بر اساس فضیلت از دیگران متمایز می‌شدند، اما فرهنگ شهرت در حال حاضر ضد فضیلت است.

فیاض گفت: در دوران ما تکنولوژی سبک زندگی را شکل می‌دهد. سبک زندگی همان رابطه انسان و تکنولوژی است. سبک زندگی هم در واقع به انسان‌ها شکل می‌دهد. این یک فرمول مهم است. با ورود تکنولوژی جدید و کامپیوترها از سال ۱۹۹۰ وارد ارتباطات دوسویه شده‌ایم. بحث از دیاکتیک، دیالوگ و ارتباطات دوسویه از مقوله‌ای به نام عرفان ششت می‌گیرد. امروز ما به پست‌مدرنیسم رسیده‌ایم. ما پست‌مدرنیسم را یک نوع عرفان می‌دانیم.

**■ سیدمتر قاضی آذکار**



آنها چاپ و منتشر شوند. سال ۱۳۵۹ اولین فراد را بستیم و من ابتدا ۱۲جلدش را بیرون دادم که در سه مجلد چاپ کردند، از جمله «خانه‌های برای کاغذ سفید» و «بسرک مغرور». به این ترتیب باب انتشار این کتاب‌ها باز شد. بعداً مدتی دفتر نشر به رکود خورد و متوقف شد تا اینکه عباس ملکی، مدیرعامل آنجا شد. او به من پیام داد، اما ایران نبودم و در کشور هند بودم، چون از سال ۶۷ به بعد در کشور هند زندگی می‌کردم. او تماس گرفت و از من خواست که ادامه دهم.

این مترجم و نویسنده ادبیات کودک خاطر نشان می‌کند: من در حقیقت باز آفرینی می‌کنم، انتشارات هیچ‌وقت نام مرا به‌عنوان مترجم نمی‌زد و فقط می‌زد به روایت «بابااحمد». بابااحمد تخلص من از ۱۴ سالگی بوده است. ما حدود ۷۸ عنوان کتاب منتشر کردیم که فکر می‌کنم رکورد فروش کتاب کودک را زد و بسیاری از آنها حتی بیش از ۹۷۰هزار نسخه



شعر خوانی شاعران در عصر شعر «جاء نصرالله»

## بخوان «انا فتحنا» و بخوان از «جاء نصرالله»

### سراسر آیه فتح است، لبانی که ما دیدیم

ای ایینه‌وصل، شکستی؟ شکستی؟ آیا هر نفسی باز رسیدی به وصالی مردان شهادت همگی اهل بهشتند! مردان خدا را نبود هیچ زوالی امروز درخشیدی چون بدرتر از بدر ادب‌روز اگر بودی ببری و هلالی... سید حسناخون تو تا ریخت در این دشت اخاکت متبرک شد و جاहत متعالی **محمود حبیبی کسبی چنین سرود:**
زد شرار از جهنم طاغوت / به غروب بهشتی بیروت
گوش شد دنیا به ضجه غزه / چشم‌دنیای به ضاحیه میبوت
آسمان شد سیاه و هر خانه / شعله‌های شد میانه برهوت
ریخت کافور بر جنازه سدر / اشاخه توت شد پز از شاتوت
همه اخیار زنده دنیا / شد خیرهای مرده بیروت
فوران کرد داغ نصرالله / ریخت آوار بغض روی سکوت
آه سید حسن! شبیه حسین / آن حسینی که جبهه‌اش جبروت
بعد از این زنده است نصرالله / در تمام مصلها و بیوت

بعد از این انتقام اوست قیام شوق خونخواهی اش دعای قنوت **احمدبابایی شاعر بعدی بود که در این مراسم شعر خوانی کرد:**
خاک در گیر آسمان شده است / باز هم فصل امتحان شده است
خنجر شرر، خون چکان شده است / اقل شمشیر شیعیان شده است...
باز باران: سوزم قهر برتر، کیست؟ / آن به موسای ما برادر، کیست؟
هر خبر، روضه‌ای بریشان است / دل ما دافدار لبنان است...
آی صهیون! تقاصی چانگاه است / صبر ما سینه‌ای پر از است
آه ما خشم غیرت‌الله است / اصل طوفان، هنوز در راه است
سامری سوزم قهر برتر، کیست؟ / آن به موسای ما برادر، کیست؟
آنکه درم‌شکسته خیر، کیست؟ / اهان را ز مح‌بیرس، خیدر کیست؟
خشمگین شهبه همان شیریم / شک ممکن انتقام می‌گیریم...

**محمدرضا وحیدزاده چنین شعر خوانی کرد:**
برده‌باد دوستی‌ست که بر تیر دارد / چه غیرمرگ در خنان مگر ثمر دارد؟
شبی که سسرو سسپی مان به خاک و خون غلندید / به زمهریر رسیدید، خود خبر دارید
مگر نه چیدین یک غنچه نیز تاوان داشت؟ / چگونه فکر فرار از خطر به سر دارید؟
هرآنچه لاله که بر پر شدم‌ست پای شماست / که دست و دامنی از خون باغ نیز دارید
به تار پاره چنان عنکبوت تکیه زدید / چه لاله‌بان در این خانه کرفوقر دارید
به داس خشم بچینیم هرزه‌ستان را / ادبواره شاخه برآید اگر چکر دارد
بگو که مرگ کم‌چوبین بی‌لوندازی بی / که باید از دل میدان جنازه بردارید
بگو که پرچم شومت کم است، بفرستند / اگر چه کشته از آن باز بیشتر دارید
قرار ما و شما صبح جمعه‌ای روشن / او اندک است مجالی که تاسحر دارید

**محمدحسین مهدویان اینگونه شعر خوانی کرد:**
شروع ماجرای اوست، پابانی که ما دیدیم / در این دنیا نمی‌کنجدید، آسانی که ما دیدیم
مسیحا بود و افاناس به دل‌ها زندگی می‌داد / انخواهد شد اسیر مرگ، آن جانی که ما دیدیم
از این سروی که افتاده، هزاران باغ می‌روید / حریف او نخواهد شد: زمستانی که ما دیدیم
تماشاکن شگوش‌ها را که حتی در دل آتش / تالطم می‌کند موج خروشان می‌که ما دیدیم
بخوان «انا فتحنا» و بخوان از «جاء نصرالله» / سراسر آیه فتح است، لبانی که ما دیدیم
بدان ای ریشه صهیون، اگر در سنگ هم باشی / به بادت می‌دهد یک روز، طوفانی که ما دیدیم

**عاطفه جوشقیان چنین شعر خوانی کرد:**
خودت شوراندی / آخر خشم فرزندان رستم را / همان شب که شکستی حرمت این خاک و پرچم را /
چهارباک از ما تابم تا شنه دیندار دلداریم / که با این تشنه کلمی‌ها چشیدیم آب زمزم را
ولی بعد از شهادت همچنان دستان ما باز است / ندیدی ضرب شست تاب طهرانی مقدم را؟
صدای اقتلاد ماست یا تو؟ / گوش کن قدری / تو که کر می‌کنی با ادعایت گوش عالم را
چه شب‌ها که غنای غزه رگبار مسلسل بود / تو حالونوش جان کن وعده‌ای این مشت محکم را /
هنوز آن انتقام سخت مآذنه، انتخابش کن / چه می‌خواهی؟ / چه ماهی؟ قاطمیه با محرم را...؟

ای سید دل‌داده که در لوح کمالی / ادا هست تو راق چه جلالی چه جمالی /
جنس نفس‌های پر از نور ملک / دادند تو را اسید مشتاق چه حالی /
تو زنده‌ترین زندهای ای کشته منصور / تو عین حضوری و نه خولیی نه خیالی